

## نگاهی به مباحث طرح شده در مورد تشکل یابی کارگران در ایران

یداله خسروشاهی

بیست یکم بهمن ماه هشتاد و شش

در مورد کارکرد سه ساله کمیته هماهنگی مباحثی در بین فعالین کمیته های کارگری خارج از مراکز کاری به رشته تحریر درآمده و بر روی سایتها اینترنتی منعکس شده است.

این مباحث تا آنجا که به روشن کردن مواضع نظری این جمع مرتبط بود حد اقل این حُسن را داشت که پس از چند سال بی عملی و ایجاد مانع در پیشروی برای ایجاد تشکلات درون مراکز کاری از طرف چند نفر مشخص در این کمیته، فعالین کارگری درون کمیته ضمن اطلاعیه ای هدف خود را همان " ایجاد تشکلات کارگری به همت خود کارگران" را اعلام و برای چنین هدفی یک اقدام واقعی و با برنامه را پیش روی خود قرار داده و این مانع پوشالی را که باعث پیشروی آنها جهت تحقق اهداف واقعی سازمانیابی کارگران شده است دفع نمایند.

اما در موقعیت کنونی تعلق در این هدف کار را بجایی رسانده تا افرادی که تنها برای طرح خود در کنار فعالین کارگری عکس گرفته اند و از این طریق خود را مطرح کرده اند ضمن توهین و افتراء به فعالین از جان گذشته ای چون بهزاد سهرابی، حتا وقاحت را بجایی برسانند که برای ایشان شبیه سازی کنند و آنچه لایق خود آنها است به فعالین صدیق جنبش کارگری نسبت می دهند... ۱

بر این اساس است که من سکوت را جایز ندانسته و لازم دیدم نظرم را بطور خلاصه نسبت به این جریان منحرف بیان کنم. اما پس از این تصمیم متوجه شدم که طی این چند سال مطالب بسیاری در مورد تشکلات کارگری چه بشکل نوشتاری و چه بصورت مصاحبه و یا ضمن برگزاری جلسات بحث گفتگو بیان داشته ام. با مراجعه به آنها تصمیم گرفتم جلسه سمینار کارگری ۱۴م سال ۲۰۰۵ را که در ونکور کانادا برگزار شد و در آن جلسه بحث و گفتگو، نظرم را در مورد کمیته های خارج از مراکز کاری بیان داشته ام را در اختیار جمع قرار دهم، چرا که همان زمان نیز پیش بینی میشد که روال حرکت این کمیته به چنین وضعیتی برسد و هرشازده بی هویتی چنین اراجیفی را نثار فعالین راستین جنبش کارگری کند و به خود جرئت چنین جسارتهایی را بدهد.

لذا توجه خوانندگان را به این جلسه بحث و بررسی موقعیت تشکل یابی کارگران ایران که ضمیمه است جلب می کنم. اما در انتها لازم می بینم که بر یک موضوع حیاتی جنبش کارگری تاکید کنم.

افرادی که پس از فروپاشی جبهه اصلاحات با تشخیص جهت وزش باد و به لطف یک تصادف بدرون جنبش کارگری سُرخوردند، ضمن عکس گیری در کنار فعالین کارگری، تا کنون تمامی سعی و کوشش خود را برای ایجاد تفرقه و نفاق در این جنبش به پیش برده و به دنبال یافتن تضاد در میان فعالین این جنبش می گردند و همانند محمد قوچانی که تمام هم و غم خود را بر تخریب جنبش چپ دانشجویی گذاشته است، در تمامی نوشته های تاکنونی خود در صدد تخریب فعالین سوسیالیست جنبش کارگری و احزاب چپ موجود قلم فرسایی کرده اند، کسانی که بنیادی

ترین و پایه ای ترین امر خود سازماندهی کارگران یعنی مجمع عمومی را نفی می کنند و این اصل دموکراسی کارگری را به هیچ می پندارند، کسانی که در ۹۹ درصد نوشته های تاکتونی خود حمله به فعالین چپ و سوسیالیست و احزاب چپ را سرلوحه فعالیت خود قرار داده و ضدیت با چپ برایشان به مراتب بیش از افشاء ماهیت جنایت کارانه رژیم اهمیت داشته و در این راه حتی توصیه می کنند که در زمان اسم بردن از دادگاه های فرمایشی رژیم از کلمه "بیدادگاه" استفاده نکنید، باید بدانند که فعالین کارگری هوشیارانه افراد ضد کمونیست و کمونیست ستیزان را در هر لباس و پوششی تشخیص خواهند داد و در صورت لزوم ماهیت واقعی آنها را بر همگان آشکار خواهند کرد. لطفاً به بحث و گفتگوی جلسه ۱۴ ماه مه سال ۲۰۰۵ شهر ونکور کانادا توجه کنید.

## یداله خسروشاهی

اول فوریه ۲۰۰۸

۱- رجوع شود به مقاله "کسانی که هدف کمیته هماهنگی را قبول ندارند در میان اعضای این کمیته چه می کنند".

درج شده در سایت های مختص مطالب کارگری.

فایلهای صوتی: ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶

در قسمت صوتی سایت درج شده است.